

سنگ بنای سازمان تبلیغات اسلامی را مسجدی‌های محله فلاح گذاشتند تبلیغات در «ابوذر» جان گرفت



◆ **سودابه رنجبر** | مساجد قبل از پیروزی انقلاب، محلی برای تبلیغات دین و اسلام بودند، اما بایدونبایدی‌های فراوانی از سوی رژیم حاکم بر تبلیغات مساجد اعمال می‌شد، طوری که چند سال مانده به پیروزی انقلاب اسلامی در هر مسجدی که مراسم سخنرانی برگزار می‌شد؛ بعید بود سروکله ساواک آن اطراف پیدا نشود و مجلس را برهم نزند! مسجد ابوذر در محله فلاح از همان دوران طوری در تبلیغات اسلامی پیشی گرفت که بعد از انقلاب هم نامش به «سازمان تبلیغات اسلامی» گره خورد. در بدو تشکیل سازمان تبلیغات اسلامی، افراد اصلی سازمان از همین مسجد برخاستند. در این گزارش، بخشی از صفحات تاریخ شفاهی مسجد ابوذر را که مربوط به تشکیل سازمان تبلیغات است ورق می‌زنیم.

روحانیون خواندن کتاب‌های اسلامی و دینی را برای جوان‌ها و نوجوان‌ها در اولویت قرار دادند تا مبارزه خاموشی، علیه غرب‌گرایی رقم بخورد. با تبلیغات وسیع و پنهانی روحانیون، بچه‌های مسجد جذب خواندن کتاب‌های دینی و اجتماعی می‌شدند

شاهدی بر ماجرای تبلیغات مسجد

«عبدالله قلعه‌وند» از اهالی قدیمی این محله و بازنشسته کارگاه صحافی است. ساکنان جدید محله معتقدند که قلعه‌وند بیشتر از بقیه اهالی خبر دارد که چند سال مانده به پیروزی انقلاب در مسجد ابوذر چه گذشت؟ او را پرسان پرسان روی نیمکت فضای سبز محله، ملاقات می‌کنیم، می‌گوید، هر روز یک مرکز فرهنگی در محله افتتاح می‌شد. افرادی که بیشتر اهل تفکر بودند متوجه شدند که این مراکز با رنگ و لعاب قشنگی که به نمایش می‌گذارد، در حال تبلیغ غرب‌گرایی است. از همان جا بود که روحانیون خواندن کتاب‌های اسلامی و دینی را برای جوان‌ها و نوجوان‌ها در اولویت قرار دادند تا مبارزه خاموشی، علیه غرب‌گرایی رقم بخورد. با تبلیغات وسیع و پنهانی روحانیون، بچه‌های مسجد جذب خواندن کتاب‌های دینی و اجتماعی می‌شدند. خوب یادم است که تعدادی از کتاب‌های دینی و اسلامی شهید مطهری و آقای شریعتی بین نوجوان‌ها توزیع می‌شد.»

صحاف کتاب‌های تبلیغات اسلامی

«عبدالله قلعه‌وند» چشم می‌دوزد به دوردست‌ها شاید خاطرات دورتری از ۴۰ سال گذشته به یادش بیاید و بازهم سررشته کلام را به دست می‌گیرد: «شاید برایتان جالب باشد بدانید ربط من با قصه کتاب‌خوانی جوان‌های آن روزگار چیست؟ راستش من خیلی در این فضاها نبودم. فقط در کارگاه صحافی کار می‌کردم و هرازگاهی کتاب‌های همسایه‌ها را که از جلد در آمده بود یا ورق‌ورق شده بود به کارگاه می‌بردم و برایشان صحافی می‌کردم. تا اینکه یکی از این کتاب‌های دینی و اسلامی به دست من رسید. آن روزها آن قدر این کتاب‌ها پنهانی این دست و آن دست و خوانده می‌شد که مدام ورق‌ورق می‌شدند. من فقط توانستم همین خدمت را به جوان‌ها داشته باشم که به‌دوراز چشم همکاران و مدیر صحافی، کتاب‌ها را صحافی کنم و تحویل نفر بعدی بدهم.

نگین فیروزه‌های و درخشان محله فلاح (ابوذر)، مسجد ابوذر است. از هر جایی که وارد این محله شوید مناره‌های فیروزه‌ای با طرح‌های اسلیمی به استقبال می‌آیند. مسجدی که تاریخ شفاهی آن طوری در حافظه مردم این اطراف نشسته که هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنند این مسجد در بدو انقلاب چقدر پر تلاطم ظاهر شد. فراموش نمی‌کنند روزی را که کیپ تا کیپ مسجد، مردم ایستاده بودند تا سخنرانی مقام معظم رهبری را بشنوند؛ در حالی که یک هفته هم از تشکیل سازمان تبلیغات اسلامی در یکم تیرماه سال ۱۳۶۰ نگذشته بود. همان طور که مردم گرم شنیدن خطابه رهبر معظم انقلاب بودند، ضبط‌صوت حامل بمب از راه رسید.

طوری انفجار صورت گرفت که مقام معظم رهبری به درجه جانبازی نائل شد، اما همان روز بزرگ‌ترین گام تبلیغاتی و هوشیاری مردم علیه دشمن کلید خورد. بچه مسجدی‌های ابوذر و امام جماعت و خادمان مسجد قدم‌هایی محکم‌تر و بلندتری در تبلیغات اسلامی برداشتند طوری که هنوز نامشان بر تاریخچه سازمان تبلیغات اسلامی می‌درخشد.

پیشکسوتان سازمان تبلیغات در مسجد

از جمله افرادی که در تشکیل این سازمان مؤثر بودند می‌توان به حجت‌الاسلام «رضا مطلبی» و حجت‌الاسلام «علی‌اکبر صادقی رشاد» اشاره کرد که هر دو آن‌ها قبل از پیروزی انقلاب فعالیت سیاسی و انقلابی در این مسجد داشتند و در پیشبرد تبلیغات برای انجام راهپیمایی‌ها علیه رژیم شاهنشاهی، برگزاری جلسه‌های قرائت قرآن و تربیت نوجوان‌ها و جوان‌های مسجدی بسیار تأثیرگذار بودند. هر دو این مبلغان روحانی از پیشکسوتان سازمان تبلیغات اسلامی هستند.

در بدو تشکیل سازمان تبلیغات اسلامی «رضا مطلبی» مسئول امور دفاتر استانی شد و راهاندازی شعبه‌های استانی را در سراسر کشور بر عهده گرفت. «علی‌اکبر صادقی رشاد» که در شکل‌گیری تبلیغات اسلامی در بین جوان‌ها بسیار تأثیرگذار بود، در همان سال‌های اول در رأس دفتر سازمان تبلیغات اسلامی استان تهران قرار گرفت.